

Shiraz-Beethoven.ir

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست مطالب:

۸	فهرست تصاویر
۹	درباره موسیقی

۱۱	شهری کوچک زادگاه مردی بزرگ
۱۱	سال ۱۷۷۰
۱۲	سال ۱۷۷۴
۱۳	سال ۱۷۷۸
۱۵	سال ۱۷۸۱
۱۵	سال ۱۷۸۳
۱۶	سال ۱۷۸۶
۱۷	سال ۱۷۸۷ (هفده سالگی)

زنگی
و
آثار
بتهوون



۲۱	بازگشت از وین
۲۲	سال ۱۷۸۹ (انقلاب فرانسه)
۲۴	سال ۱۷۹۰
۲۵	سال ۱۷۹۲
۳۰	سال ۱۷۹۵
۳۰	سال ۱۷۹۶
۳۲	سال ۱۷۹۸
۳۳	سال ۱۸۰۰
۲۸	سال های ۱۸۰۱ و ۱۸۰۲ (عشق نو و رنج نو)
۲۹	وصیت‌نامه‌ی بتهوون
۴۴	سال ۱۸۰۳

Shiraz-Beethoven.ir

۴۶ سال ۱۸۰۴
۴۹ سال ۱۸۰۵
۵۰ سال ۱۸۰۶
۵۲ سال ۱۸۰۷
۵۴ سال‌های ۱۸۰۸ و ۱۸۰۹
۶۱ سال ۱۸۱۰
۶۴ سال ۱۸۱۱
۶۶ سال ۱۸۱۲

۷۰	دو نابغه - دو سرنوشت
۷۵ سال ۱۸۱۳
۷۷ سال‌های ۱۸۱۴ و ۱۸۱۵
۸۰ سال ۱۸۱۶
۸۲ سال ۱۸۱۹
۸۳ سال ۱۸۲۲

۸۸	پیش‌بینی بتهوون دربارهٔ پیدایش نابغه‌ای دیگر
۸۸ سال ۱۸۲۳

۹۳	در ستایش شادی
۹۳ سال ۱۸۲۴

۱۰۴	بتهوون و شویرت
۱۰۴ سال ۱۸۲۶

زنگی
و
آثار
بتهوون



۱۱۳	خاموشی شعله‌های لرزان
۱۱۵ سال ۱۸۲۷

۱۲۶	اندیشه‌هایی چند از بتهوون
-----	---------------------------

۶

۱۳۰	تفسیری بر آثار بتهوون
۱۲۰ سمفونی‌ها
۱۳۰ سمفونی شماره‌ی ۱ در اوت ماژور
۱۳۲ سمفونی شماره‌ی ۲ در ر ماژور
۱۳۴ سمفونی شماره‌ی ۳ (قهرمانی Eroica)، در می بل ماژور
۱۳۶ سمفونی شماره‌ی ۴ در سی بل ماژور
۱۳۸ سمفونی شماره‌ی ۵ در اوت مینور
۱۴۱ سمفونی شماره‌ی ۶ (پاستورال Pastoral) در فا ماژور

۱۴۴	سمفونی شماره‌ی ۷ در لا ماژور
۱۴۶	سمفونی شماره‌ی ۸ در فا ماژور
۱۴۸	سمفونی شماره‌ی ۹ (کُوال) در ر مینور
۱۵۰	کنسرتوهای پیانو
۱۵۵	کنسرتوی پیانو شماره‌ی ۱ در اوت ماژور
۱۵۵	کنسرتوی پیانو شماره‌ی ۲ در سی بمل ماژور
۱۵۵	کنسرتوی پیانو شماره‌ی ۳ در اوت مینور
۱۵۶	کنسرتوی پیانو شماره‌ی ۴ در سل ماژور
۱۵۶	کنسرتوی پیانو شماره‌ی ۵ (امپراتور) در می بمل ماژور
۱۵۸	کنسرتوی ویولون و تریبل کنسرتو
۱۵۸	کنسرتوی ویولون در ر ماژور
۱۵۹	تریبل کنسرتو در اوت ماژور
۱۶۰	سونات‌های پیانو
۱۶۰	سونات پاتتیک در اوت مینور
۱۶۱	سونات مهتاب در اوت دیز مینور
۱۶۱	سونات آپاسیوناتا در فا مینور
۱۶۲	سونات خداحافظی در سی بمل
۱۶۳	سونات هامرکلاویه در سی بمل ماژور
۱۶۴	سونات می ماژور
۱۶۵	سونات اوت مینور
۱۶۶	سونات‌های ویولون
۱۶۶	سونات بهار (شماره‌ی ۵) در فا ماژور
زنگی و آثار بتهوون	سونات کرویتزر (شماره‌ی ۹) در لا ماژور
	سونات سل ماژور (شماره‌ی ۱۰)
۱۶۹	کوارتت‌های زهی
۱۶۹	کوارتت چنگ یا هارپ (Harp)
۱۷۰	کوارتت سریوزو (Serioso)
۱۷۰	کوارتت سی بمل ماژور
۱۷۱	فوگ بزرگ (Grosse Fugue)
۱۷۲	کوارتت فا ماژور
۱۷۲	اوورتورها
۱۷۲	اوورتور کوریولان
۱۷۴	اوورتور اگمونت
۱۷۴	اوورتور خرابه‌های آتن
۱۷۵	اوورتور آفریدگان پرومتنوس
۱۷۷	واژدها و اصطلاحات
۱۸۴	منابع و مأخذ

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست تصاویر:

۳	بتهوون (۱۷۷۰ - ۱۸۲۷) «سیمای قهرمان»
۱۳	خانه‌ی زادگاه بتهوون در شهر بُن
۱۳	تولد بتهوون - تابلو اثر گِرلشاپ
۱۹	تصویری از موتسارت
۲۰	دیدار دو نابغه‌ی موسیقی
۲۰	تشییع جنازه‌ی موتسارت
۲۸	بتهوون در جوانی
۲۹	یوزف هایدن، موسیقیدان نامی
۳۴	بتهوون هنگام ناشنوازی
۴۱	خانه‌ی در بیلاق هایلیگن‌شتات که در آن بتهوون به تحریر وصیت‌نامه‌ی خود پرداخت
۴۱	آخرین صفحه‌ی وصیت‌نامه‌ی بتهوون به خط و امضای او
۴۸	نیم‌تنه‌ی فلزی از بتهوون
۶۷	گوته، نویسنده‌ی نامدار آلمانی
۶۸	برخورد بتهوون و گوته
۹۱	فرانتس لیست، موسیقیدان برجسته
۹۵	در آستانه‌ی تصنیف سمفونی نهم
۱۰۱	شیللر، شاعر بزرگ آلمانی
۱۰۱	نُت قسمت فینال سمفونی نهم به خط بتهوون
۱۱۲	دست‌های هنرآفرین بتهوون
۱۱۸	بتهوون در بستر مرگ
۱۱۸	ماسک چهره‌ی بتهوون
۱۲۰	مراسم تشییع جنازه‌ی بتهوون در شهر وین
۱۲۳	نویسنده در کنار سنگ بنای آرامگاه بتهوون
۱۲۵	بتهوون در آستانه‌ی تصنیف مس باشکوه (میسا سولمنیس)

زندگی
و
آثار
بتهوون



۸

مل آوردند. پس از پرآگ، سفر موفقیت‌آمیزی نیز به برلن کرد و در آنجا دریک ویلهلم دوم "امپراتور آلمان او را به دربار خود دعوت نمود، و بتهوون حضور او قطعاتی چند با پیانو نواخت و "فردریک" به عنوان یادبود، اسیگاری زیبایی به او هدیه کرد که در ساختمان آن مهارتی استادانه و قطعاتی طلا به کار رفته بود.

افسوس که هنگام بازگشت، سرنوشت بازی دردنک و شومی برای او رقم بود که بزرگترین ضریبه به پیکر یک موسیقیدان و رنجی پایان ناپذیر برای تمام دگی او به شمار می‌رفت و آن، عارضه‌ی ناشنوایی بود.

بتهوون چگونه شنوازی خود را از دست داد؟ این مسئله هنوز روشن نشده است. می‌گویند که این عارضه بر اثر سرماخوردگی حاصل شد. هوا بسیار گرم و بتهوون پس از بازگشت از گردش روزانه‌ی خود با تن عرق‌دار، لگنی را پراز سرد کرده و تمام سر خود را در آن فرو برد و تا وقتی نفسش اجازه می‌داده، را در آن نگاه داشته و با خنده‌ای پر صدا این کار را تکرار کرده است. وای که بی اختیاطی زیان‌بخشی! گویا شستشوی با آب سرد عادت همیشگی او بوده است و به گفته‌ی برادرش: «در حین کار عادت داشت چند بار سر خود را زیر آب سرد می‌گرفت و بدون آنکه موی سر را خشک کند دوباره به کار خود شغول می‌شد. گاهی نیز در فواصل کار، در هوای آزاد گردش می‌کرد.»

در نخستین روزهای ناشنوایی که او را از بقیه‌ی مردم جدا می‌کرد، اغلب او یا قیافه‌ای وحشت‌زده و نگاهی پریشان، «سراپاگوش» در برابر یک دکان تنگری که ضریبه چکش به روی سندان برایش بی‌صدا بود و یا در مقابل یک سیاپ بادی که صدای حرکت چرخ‌ها را نمی‌شنید، ایستاده می‌دیدند. تأثیری از این ناشنوایی نابهنه‌گام به او دست داده بود، در قطعاتی چون سونات تئیک و لارگوی سومین سونات او منعکس شده است.

اما آیا بتهوون در برابر این مصیبت بزرگ ناامید و دلسوز شد و از پای رآمد؟ او که مشعل فروزانی در کف داشت، از مقابله با اهریمن سیاه بدینختی گریخت و مبارزه را ترک می‌کرد؟ نه... او تسلیم نشد. روحیه‌ی مقاوم و رسخت او را از نامه‌ای که به دکتر "ویگلر" نوشته است می‌توان دریافت: «هر

جذب خود کرده بود و از او زیاد صحبت می‌کرد. با آنکه رنجیده‌خاطر بود
ارتقای این سردار را از درجه‌ای کوچک به آن مقام عالی می‌ستود.» هرچند
بهزادی نسبت به فاتحان فرانسوی نفرت پیدا کرد و دیگر مایل به دیدار
ن نبود.

۱۸۰۵ سال

تختین معرفی اپرای فیدلیو^۱ در تئاتر وین به تاریخ ۲۰ نوامبر ۱۸۰۵ انجام
دکه در آن بتهوون برای یک موضوع ساده و شاید کم‌ماهی، شاهکاری بزرگ
ستیف کرده است.

خلاصه‌ی داستان این است: «فلورستان»^۲ شوهر وفادار و محظوظ «لئونور»^۳
طرف حکومت در قلعه‌ی مستحکمی زندانی شده که هیچ‌گونه امیدی برای
از آن وجود ندارد و از بخت بد اداره‌ی آن قلعه نیز به دست «پیزار»^۴، دشمن
ونخوار «فلورستان»، سپرده شده است. «پیزار»، دیوانه از کینه‌ی دیرین خود،
سمیم به قتل «فلورستان» می‌گیرد و یکی از زیردستان خود به نام «روکو» را
لمیع می‌کند و به او دستور می‌دهد که حفره‌ای در اتاق زندان «فلورستان» بکند
بتواند او را همانجا بگشود و به خاک بسپارد. ولی «لئونور» زن وفاداری که
زندگی^۵
آثار^۶
بتهوون^۷
و^۸
گوگند خورده است زندگی خود را برای نجات و آزادی شوهر محبوبش فدا
شناش را مرد تصور می‌کند برای کندن گودال از او کمک می‌خواهد و هنگامی
آن دو در زندان «فلورستان» حفر گودال را تمام می‌کنند، «پیزار» که از انتقام و
یعنی تاب است برای اجرای نقشه‌ی شوم خود با دشنه‌ی برنه به سوی
«فلورستان» حمله‌ور می‌شود. در همین لحظه، «فیدلیو» که محبت شوهر،
سار و تهوری مردانه در او دمیده است، با عجله پیانچه‌ی خود را بیرون

۴۹



1. Fidelio
2. Florestan
3. Leonore
4. Pizarre

آنجا متمایل شده بود. با خود می‌گفت: در اینجا برای من چه سعادت و آسایشی متصرّ است که افتخارات و امتیازات آنجا را فدایش کنم؟!

عقل و منطقش می‌گفت «برو» و قلبش در گوشش می‌خواند که «بمان». ولی آیا او در حقیقت می‌توانست وین را ترک کند؟ گویی به این سرزمین الهام‌آوری که از هر گوشه‌اش نوای موسیقی به گوش می‌رسید، می‌خکوب شده بود. گاهی دو دل می‌شد و بالاخره همان طور که قبلًا نیز یک بار دعوت «ژروم» پادشاه ویستفالی را برای عزیمت به آنجا رد کرده بود، از سفر به انگلستان نیز منصرف شد. دوستدارانش از این تصمیم شادمان شدند ولی وقتی او با «شیندلر» دوست صمیمی خود در این باره صحبت می‌کرد، در چشمانش آثار تلحکامی بزرگی خوانده می‌شد.

۱۸۲۲ سال

زنگی
اثار
پتهون



۸۳

پرتوی از رضایت در میان تاریکی مهآلود افق نمایان شد. یازده سال پیش تیز چنین پرتوی زندگیش را روشنی بخشیده بود و از تصنیف قطعاتی برای آثار «کوتزبو^۱» در جشن شهرداری شهر بوداپست دلشاد بود که متأسفانه به علت بیماری نتوانست در مراسم جشن شرکت کند. این بار «ویلهلمین شرودر^۲» حاضر شده بود که رل «فیدلیو» را در اپرای فیدلیوی بتھوون به عهده بگیرد. «ویلهلمین» دختری هفده ساله، بزرگترین تراژدین آن روز و خواننده‌ای مشهور و به خاطر بایزی دراماتیک و آواز دلکش خود مورد توجه و تحسین مردم بود. «ویر^۳»، بعد از آنکه وی رل اصلی را در اپرای «فرائیشوتس»^۴ اجرا کرد و به خوبی از عهده‌ی آن برآمد درباره‌ی او گفت: تمام احساسات و عواطفی که من می‌خواستم در موسیقی ام بگنجانم و نشان دهم، وی با چنان مهارت و قدرتی آنها را نشان داد که در خواب هم تصورش را نمی‌کردم.

1. Kotzebue

2. Wilhelmine Schroeder

3. Weber

4. Freischutz

* یک هنرمند حقیقی همیشه فروتن است. او می‌داند که قلمرو هنر را مرزی و پایانی نیست و حس می‌کند که چقدر از هدف و ایده‌آل خود دور است و در حالی که شاید دیگران او را تحسین می‌کنند، او از این می‌ترسد که نتوانسته باشد به آنجا که نبوغ عالی تری مانند خورشید می‌درخشد، برسد.

* وقتی آهنگی را می‌سازم، حتی اگر برای چند ساز باشد، همیشه تمام سازها در نظر می‌نمایم.

* توصیف، کار نقاشی است. شعر نیز چنین است و در مقایسه با موسیقی قلمروی گسترده دارد، ولی در مقابل، قلمرو من در مناطق دیگر بسی گسترده‌تر است و به آسانی نمی‌توان به کشور من دست یافت.

* در هنر نیز مانند زندگی، هدف اصلی، آزادی و ترقی است.

* عادت ندارم وقتی اثری را به پایان رساندم دوباره در آن دستکاری کنم زیرا به این واقعیت معتبرم که هر تغییر جزئی، حالت عمومی آهنگ را عوض می‌کند.

* آیا می‌خواهی لذت نوش عسل را بدون نیش زنبور بچشی؟

* مایل نشان بدهم که هر کس با درستی و شرافتمندی رفتار کند، می‌تواند از این راه حتی بر بد بختی پیروز شود.

* جای بگیرید در اتاق من، تصاویری از "هندل"، "باخ"، "گلوک"، "موتسارت" و "هایدن". شما می‌توانید مرا در تحمل رنج‌ها و سختی‌هایم کمک کنید.

* از خرمن علم خوش‌چینی کن زیرا برای رستگاری انسان راهی بهتر از دانش‌اندوزی نیست.

* راز خود را حتی برای نزدیکترین دوستان فاش نکن. آیا می‌توانی از او انتظار رازپوشی داشته باشی در صورتی که خود نسبت به خویشتن چنین نبوده‌ای؟

